



گفتگو با دکتر اکبر زاده در خصوص آزمایشگاه مگس‌های درمانگر

مگس‌های درمانگر مخلوقاتی کوچک هستند که وظایفی سنگین شامل هضم عفونت‌ها، ترشح آنتی‌بیوتیک و تحریک رشد بافت را به عهده دارند.

لطفاً خودتان را معرفی کنید؟

دکتر اکبر زاده هستم عضو هیئت‌علمی دانشکده بهداشت، استادیار گروه حشره‌شناسی پزشکی و مبارزه با ناقلین، در حال حاضر مسئولیت آزمایشگاه مگس‌های درمانگر به عهده بنده است.

چه کسانی با شما همکاری دارند؟

اعظم ملکیان از دانشجویان کارشناسی ارشد گروه حشره‌شناسی پزشکی و مبارزه با ناقلین

لارو درمانی چیست و چه تعریفی می‌توانیم از آن داشته باشیم؟

لارو درمانی (maggot therapy) عبارت است از استفاده از لاروهای ضد عفونی شده مگس لوسیلیا سیریکاتا برای از بین بردن بافت عفونی و باکتری‌های مقاوم و تحریک رشد بافت‌های عاری از عفونت در زخم‌های مزمن و مقاوم به درمان. آثار مفید لارو درمانی در درمان

زخم‌ها قرن‌هاست که شناخته شده است. مکتوبات متعددی نشان می‌دهند که در دوران باستان از لارو مگس‌ها که به جراحان طبیعت نیز نامیده می‌شدند، برای درمان زخم‌ها استفاده شده است. لارو درمانی در واقع یک میازیس (نام بیماری) کنترل شده به‌منظور برش دادن زخم حاوی بافت‌های عفونی است. ماگوت‌های طبی آثار دبریدمان، گندزدایی و تحریک رشد بافت را جدا از هم و به‌طور همزمان انجام می‌دهند.

مجوز استفاده از لاروهای درمانگر لوسیلیا سیریکاتا به‌عنوان یک ابزار پزشکی را سازمان غذا و داروی ایالات‌متحده (FDA) در سال ۲۰۰۴ صادر کرده است. به نظر می‌رسد لاروهای درمانگر دارای قدرت تحمل بالا و هزینه اثربخش هستند

لاروها از چه چیزی تغذیه می‌کنند و برای چه بیماری قابل استفاده هستند؟

طبیعت لاروهای درمانگر تغذیه از بافت‌های عفونی و باکتری‌های مختلف است و منشأ بافت عفونی زیاد اهمیتی ندارد. بنابراین از لارو درمانی می‌توان برای عفونت‌های متعددی همانند زخم پای دیابتی، زخم‌های بستر، زخم‌های فشاری، عفونت‌های ناشی از سوختگی‌ها، عفونت‌های بعد از جراحی‌ها، عفونت‌های ناشی از بیماری برگر، عفونت‌های ناشی از عدم خون‌رسانی به بافت‌های مختلف و عفونت‌هایی از این دست، استفاده کرد. تأثیر مثبت استفاده از لاروهای درمانگر در



دکتر چوبینه از راه اندازی آزمایشگاه سلولی در دانشکده پیراپزشکی خبر داد

مشاور اجرایی و سیاست گذاری دانشکده پیراپزشکی فعالیت های درون و برون دانشگاهی این دانشکده را به منظور تقویت و کاربردی کردن فعالیت های آموزشی با حرکت به سمت ارائه خدمت و ایجاد فعالیت های نوآورانه و باکیفیت در سطح ملی دانست.

در پی برگزاری جلسه کاری مشترک اعضای هیئت رئیسه دانشکده پیراپزشکی با معاونت تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی بقیه... در خصوص عقد تفاهم نامه و فعالیت های مشترک علمی و پژوهشی به گفتگو با دکتر حمید چوبینه مشاور اجرایی و سیاست گذاری دانشکده گفتگو کردیم.

لطفاً در خصوص تفاهم نامه و ارتباطات علمی برون دانشگاهی این دانشکده توضیح بفرمایید.

در آستانه سال تحصیلی جدید هستیم، آغاز بهار علم و دانش را به دانشجویان ورودی جدید و سایر دانشجویان تبریک می گویم و امیدوارم بتوانند باعث افتخار خود، والدین، دانشکده و جامعه قرار گیرند و مسئولان دانشکده هم بتوانند شرایط لازم را برای شکوفایی و توانمندی هرچه بیشتر دانشجویان فراهم کنند.

خوشبختانه در طول دوره مدیریت جدید دانشکده به منظور ایجاد ارتباط با دانشگاه ها و سازمان های دیگر که محل استفاده از خدمات

کاهش انگل های لیشمانیای جلدی نیز به تأیید رسیده است.

ایده تأسیس آزمایشگاه مگس های درمانگر در چه سالی عملیاتی شد؟

ایده تأسیس آزمایشگاه مگس های درمانگر در سال ۱۳۸۸ مطرح شد. پس از ریزنی های متعدد و تأیید عملی بودن کار در ایران و مشورت با پزشکان و سازمان هایی که به صورت بالقوه خواهان این روش درمانی هستند کار اجرایی این آزمایشگاه در سال ۱۳۹۱ آغاز شد. آزمایشگاه جدید مگس های درمانگر با نظر مثبت مسئولان دانشکده بهداشت و با حمایت همه جانبه ایشان در ساختمان شماره ۲ دانشکده در مهرماه سال ۱۳۹۳ تأسیس شد.

کاربردترین آثار لارو درمانی چه می تواند باشد؟

یکی از مهم ترین و کاربردی ترین آثار لارو درمانی اثر آن در بهبود زخم پای دیابتی است. بر اساس برخی آمار منتشر شده در مقالات در حدود ۶ درصد از کل جمعیت ایران از بیماری دیابت رنج می برند. در حدود ۱۵ درصد از این بیماران در طول دوره ابتلا، به زخم پای دیابتی مبتلا می شوند که از این میان در حدود ۲۰ - ۱۵ درصد نیازمند قطع عضو می شوند. تعداد سال های ناتوانی به سبب بیماری دیابت نیز یکی از عوارض مخرب این بیماری است. بسیاری از درمان زخم های پای دیابتی اثر نسبی در بهبود آن ها و قطع عضو دارند و برخی از زخم ها به درمان های معمولی پاسخ نمی دهند. بنابراین استفاده از درمان های مؤثرتر با هزینه اثربخشی بیشتر برای درمان زخم های پای دیابتی ضروری هستند. به نظر می رسد از لارو درمانی بتوان به عنوان مکمل درمان در کنار سایر روش های درمانی استفاده کرد.

آیا برای همکاری با مراکزی هم ریزنی انجام داده اید؟

ریزنی ها برای همکاری آزمایشگاه مگس های درمانگر با دو مرکز مهم درمان زخم ها در کشور به انجام رسیده است. ان شاء الله پس از تأیید مسئولان مربوطه به زودی در هر دو مرکز یادشده از لارو درمانی به عنوان یک روش درمانی همراه با سایر روش ها برای ترمیم زخم های پای دیابتی در قالب طرح های تحقیقاتی مشترک استفاده خواهد شد.

سخن پایانی؟

با تشکر از شما و همکارانتان که ترتیب مصاحبه را با بنده داده اید امیدوارم که کمکی به جامعه بهداشتی و پزشکی کرده باشیم. ▲



تفاهم‌نامه‌های مشترک با مراکز برون دانشگاهی و درون دانشگاهی با سایر دانشکده‌ها به صورت طرح پژوهشی یا پایان‌نامه دانشجویی فعالیت خواهد کرد. همچنین امکان برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت و کارگاهی با اخذ مجوزهای لازم برای گروه‌های هدف شاغل در دانشگاه یا سایر سازمان‌ها برای بازآموزی و کارآمدتر کردن کارکنان نیز وجود دارد.

سخن پایانی

نکته مهم این‌که هدف این دانشکده تقویت و کاربردی کردن فعالیت‌های آموزشی با حرکت به سمت ارائه خدمت و ایجاد فعالیت‌های نوآورانه و باکیفیت در سطح ملی است. البته با توجه به محدودیت منابع مالی اگر خیران بتوانند کمک و حمایت کنند، سطح ارائه خدمات این دانشکده با توجه به پتانسیل قوی که وجود دارد از کیفیت بالا و گستردگی بیشتر برخوردار خواهد شد. ▲

دکتر قیوم زاده: دسترسی به خدمات سلامت باید برای همه گروه‌های سنی به صورت آسان و پیوسته باشد

دکتر محمدرضا قیوم زاده رییس مرکز بهداشت جنوب تهران، به بیان جزئیات طرح تحول سلامت در حوزه بهداشت پرداخت. با آغاز طرح تحول سلامت در حوزه بهداشت با دکتر محمدرضا قیوم زاده رییس مرکز بهداشت جنوب تهران گفتگو کردیم و از جزئیات اجرای این طرح در این منطقه جويا شدیم.

لطفاً بفرمایید طرح تحول سلامت یعنی چه و چه فوایدی برای جامعه به همراه دارد؟

هر انسانی که متولد می‌شود بالقوه امکان ۸۵ سال عمر مفید را دارد ولی این عمر مفید در جوامع و کشورهای مختلف متفاوت است و در درون کشورها هم تفاوت چشمگیری وجود دارد که ریشه آن در مسائل اقتصادی، اجتماعی و سلامت است.

در حوزه بهداشتی درمانی، دسترسی و بهره‌مندی از خدمات باکیفیت مناسب و در حوزه اجتماعی حمایت مالی از مصرف‌کنندگان خدمت به‌ویژه نیازمندان و فقرا جزو اهداف عدالت در سلامت است. دسترسی به خدمات باید آسان، به‌صورت تیمی، ادغام یافته با استفاده از تکنولوژی مناسب و برای تمام گروه‌های سنی و جنسی و مستمر و پیوسته باشد و باید حاکمیت نظام سلامت اطمینان پیدا کند که همه مردم دسترسی در نزدیک‌ترین محل زندگی‌شان به خدمت موردنیازشان

دانشکده پیراپزشکی و فعالیت‌های مشترک علمی، پژوهشی و آموزشی بوده است، جلسات کاری مشترک برگزار و در برخی موارد نیز تفاهم‌نامه‌هایی منعقد شده است. فعالیت‌های مشترک بین دانشگاهی مزایایی از جمله کاهش هزینه‌ها، افزایش سرعت و دقت در فعالیت‌ها و ایجاد فعالیت‌های بین‌رشته‌ای نوآورانه از طریق کنار هم قرار گرفتن تخصص‌های متنوع را دارد. از جمله فعالیت‌های مشترک این دانشکده عقد تفاهم‌نامه با مرکز تحقیقات پلیس راهور ناجا، جلسات کاری مشترک با سازمان امداد و نجات هلال احمر و فعالیت‌های مشترک با سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر بوده است. ارتباط با سازمان امداد و نجات، استفاده از پتانسیل‌های آن‌ها در زمینه آموزش دانشجویان فوریت‌های پزشکی و همچنین استفاده از فضاهای تحقیقاتی برای انجام فعالیت‌های پژوهشی دانشجویان را میسر ساخته است.

بازدید دکتر صفدری رئیس دانشکده به همراه دکتر حسن‌زاده معاون آموزشی و پژوهشی پردیس بین‌الملل و بنده از دانشگاه علوم پزشکی گراش در استان فارس به‌منظور فعالیت‌های آموزشی مشترک و نیاز آن دانشگاه به خدمات دانشگاه علوم پزشکی تهران و جذب دانشجوی مشترک با همکاری پردیس بین‌الملل و این دانشکده در آینده در قالب تفاهم‌نامه با تأیید دانشگاه، از دیگر فعالیت‌های برون دانشگاهی این دانشکده است.

اخیراً نیز در جلسه کاری مشترک با حضور معاون تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌ا... در زمینه فعالیت‌های پژوهشی، در گام اول اجرای طرح‌های پژوهشی مشترک مورد توافق بود. همچنین در خصوص راه‌اندازی شرکت دانش‌بنیان و جذب دانشجویان مشترک نیز گفتگوهایی صورت گرفت.

اجرای طرح‌های پژوهشی مشترک با استادان دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران از دیگر فعالیت‌های برون دانشگاهی دانشکده پیراپزشکی است.

لطفاً در خصوص راه‌اندازی آزمایشگاه سلولی دانشکده بفرمائید.

با توجه به وجود رشته‌های متنوع در این دانشکده و استادان برجسته، لازم است دانشجویان که از نخبگان کشور هستند در زمینه‌های آزمایشگاهی، تنوع آموزشی داشته و امکانات پژوهشی لازم را دارا باشند و با توجه به نبود برخی آزمایشگاه‌ها هیئت‌رئیس دانشکده تصمیم گرفت آزمایشگاه سلولی را راه‌اندازی کند که این امر با حمایت‌های مالی سازمان هلال احمر محقق شد. این آزمایشگاه به‌منظور فعالیت‌های پژوهشی به‌صورت خاص در زمینه سلولی در قالب



بارداری و پس از زایمان، آموزش و مراقبت گروه‌های مختلف سنی شامل کودکان از نوزادی تا ۶ سال (که واکسیناسیون را نیز شامل می‌شود)، دوران نوجوانی از ۶ تا ۱۸ سال، دوران جوانی از ۱۹ تا ۲۹ سال، میان‌سالی از ۳۰ تا ۵۹ سال و سالمندی بالای ۶۰ سال، آموزش و مشاوره باروری سالم برای زنان در سنین باروری، آموزش شیوه زندگی سالم و خود مراقبتی، آموزش و مشاوره تغذیه صحیح به تفکیک همه گروه‌های سنی و مراقبت‌های دهان و دندان برای تمام سنین و تشخیص و مراقبت سلامت روانی، اجتماعی و اعتیاد و مراقبت‌ها و آموزش و بیماریابی بیماری‌های واگیر مانند آنفلوانزا، سرخک، سل، ایدز، هپاتیت و بیماری‌های غیر واگیر مانند سرطان، دیابت و فشارخون و بیماری‌های قلبی و عروقی و ارزیابی اولیه بیماری‌های دهان و دندان و آموزش بهداشت دهان و دندان و ...

وجه تمایز پایگاه‌های سلامت با پایگاه‌های مشارکتی چیست؟

ارائه این خدمات به صورت فعال خواهد بود، به این معنی که تمامی گروه‌های هدف را نیروهای این پایگاه‌ها شناسایی می‌کنند و به عنوان مراقب سلامت مسئولیت سلامت مردم منطقه تحت پوشش خود را به عهده خواهند داشت. پیگیری‌های لازم در صورت تأخیر یا مراجعه نکردن به پایگاه در زمان مقرر را خود کارکنان و رابطان سلامت که افرادی از خود منطقه و آشنا با فرهنگ آن‌ها هستند انجام خواهند داد. ساعت کاری این پایگاه‌ها تا ساعت ۱۶ افزایش می‌یابد؛ به جز روزهای پنجشنبه که کارکنان تا ساعت ۱۲ مشغول ارائه خدمت هستند. افزایش ساعت کار و مستمر بودن فعالیت‌ها در این پایگاه‌های سلامت وجه امتیاز آن‌ها از پایگاه‌های بهداشتی مشارکتی است.

تاکنون چه اقداماتی شده است؟

فضای فیزیکی ۵ تا از پایگاه‌های سلامت واگذار شده به بخش خصوصی در داخل مراکز بهداشتی درمانی تحت مالکیت مرکز بهداشت جنوب تهران است؛ از این رو این فضاهای فیزیکی بازسازی و تعمیر شده و تجهیزات مورد نیاز این پایگاه‌ها را نیز مرکز بهداشت جنوب تهران خریده است.

برای مراقبان سلامت به منظور ارائه خدمات بهتر، کلاس‌های بازآموزی به مدت یک ماه برگزار شد.

احداث خانه بهداشت روستای جعفرآباد جنگل در زمین اهدایی



را دارند و از آن بهره‌مند می‌شوند. این اهداف را طی برنامه‌ای جامع به نام برنامه تحول سلامت در حوزه بهداشت به امید آنکه پوشش همگانی سلامت برای کل جمعیت منطقه تحقق یابد، دولت یازدهم و از زمان حضور دکتر هاشمی وزیر محترم بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در این وزارت خانه آغاز کرد و یکی از اولویت‌های کاری ایشان تحقق موضوع یادشده است.

چه مراکزی از محدوده مرکز بهداشت جنوب تهران جزو مناطق کم برخوردار به شمار می‌آیند؟

در مناطق کم برخوردار جنوب تهران شامل منطقه ۱۹ (محدوده اسماعیل‌آباد، شهرک شهید شریفی و دولتخواه، شهرک احمدیه، شهرک ابوذر، شهرک رجایی، شهرک سید احمد خمینی، محله نعمت‌آباد و شهرک بخارایی و شهرک رسالت یا صالح‌آباد غربی) و منطقه ۱۶ (شهرک بعثت و محدوده باغ آذری) این طرح اجرا خواهد شد. مراکز بهداشتی درمانی موجود در این مناطق بعد از این، تحت عنوان مراکز سلامت جامعه با بسته خدماتی کامل‌تر از قبل ارائه خدمت خواهند کرد.

بسته خدمات شامل چه مواردی است؟

این بسته خدمات بهداشتی، شامل تمام گروه‌های سنی در جامعه و عبارت است از آموزش و مراقبت‌های پیش از بارداری، دوران



شورایاری روستا در دست انجام است. نوسازی مرکز بهداشت روستایی امام محمدباقر (ع) در روستای مرتضی گرد در دست انجام است. بهسازی و تعمیر ساختمان خانه بهداشت روستاهای کاشانک و قلعه‌نو حاج موسی با کمک دهیاری‌های مربوطه انجام شد. تجهیزات موردنیاز برای این خانه‌های بهداشت نیز در دست خریداری است.

مشکلات و موانع موجود در این راه چیست؟

به نظر می‌رسد با وجود اطلاع‌رسانی به مردم از طریق توزیع تراکت و بنرهای متعدد در سطح منطقه هنوز مردم همکاری لازم در ارائه مشخصات خانوادگی خود به پرسشگران را ندارند و این امر سبب تأخیر در اجرای طرح و عدم برآورد صحیح نیروها و مراکز موردنیاز برای ارائه بهتر خدمت در منطقه می‌شود. درخواست ما از مردم منطقه همکاری لازم با پرسشگران و تیم سلامت منطقه در ارائه اطلاعات و دقت در صحت اطلاعات داده‌شده است. این اطلاعات شامل مشخصات فردی، ملیت، تابعیت، کد ملی و نوع و شماره بیمه و... است. ضمناً از مردم عزیز منطقه خواهشمندیم در صورتی که در زمان مراجعه پرسشگران در منزل حضور ندارند در اولین فرصت به پایگاه مراجعه کنند و اطلاعات لازم را در اختیار کارکنان ما قرار دهند تا نیروها بتوانند به بهترین نحو از فرصتی که وزیر بهداشت در این طرح برای مردم مناطق کم برخوردار فراهم کرده‌اند استفاده کنند. ▲

گفتگو با دکتر علیرضا میرباقری، استاد فناور دریافت‌کننده تسهیلات وام صدمیلیونی

دکتر علیرضا میرباقری، استاد فناور دریافت‌کننده تسهیلات وام صدمیلیونی از روند اعطای تسهیلات صندوق پژوهش و فناوری غیردولتی تجهیزات پزشکی با همکاری دانشگاه علوم پزشکی تهران می‌گوید.

صندوق پژوهش و فناوری غیردولتی تجهیزات پزشکی با همکاری دانشگاه علوم پزشکی تهران برای اعطای تسهیلات اعلام آمادگی کرده و تاکنون به تعدادی از استادان عضو هیئت‌علمی دانشگاه تسهیلات بدون بهره اعطا کرده است.

این صندوق برای ایجاد ارتباط منطقی بین دانشگاه و صنعت و

در جهت حمایت از پژوهشگران و فناوران حوزه تجهیزات پزشکی و آزمایشگاهی و طرح‌های پژوهشی که امکان تجاری‌سازی محصول آن‌ها وجود دارد باهدف حمایت از اجرای طرح‌های جدید و فناوری‌های حوزه تجهیزات پزشکی راه‌اندازی شده است. همچنین اولویت‌های صندوق در حمایت از طرح‌ها، شامل طرح‌هایی است که آماده تجاری‌سازی یا دارای ریسک کمتری برای تجاری‌سازی هستند. و منجر به تولید محصولاتی خواهند شد که جامعه به‌شدت به آن نیاز دارد و یا دارای آمار واردات بالایی هستند، همچنین طرح‌هایی که دارای توجیه مالی و اقتصادی هستند، و طرح‌هایی که زودبازده و آماده ورود به بازار هستند و طرح‌هایی با نقشه اجرایی و راه کامل.

دکتر علیرضا میرباقری استادیار گروه فیزیک و مهندسی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران، معاون پژوهشی در شاخه مهندسی پزشکی و معاون پژوهشی مرکز تحقیقات بیومدیکال و رباتیک هستند. ایشان دانش‌آموخته مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی شریف هستند که دوره پس‌دکتری خود را در دانشگاه علوم پزشکی تهران در حوزه جراحی رباتیک گذرانده‌اند.

با دکتر علیرضا میرباقری، دریافت‌کننده تسهیلات وام صدمیلیونی به گفتگو نشستیم تا از روند اعطای تسهیلات به ایشان مطلع شویم.

چگونه از وجود صندوق پژوهش و فناوری تجهیزات پزشکی و نحوه دریافت تسهیلات آن آگاه شدید؟

شاید یکی دو سالی بود که به دنبال منابع مالی برای تولید این محصول بودم مثلاً از وام‌هایی که دارای بهره خیلی سنگین بود، شروع کردم تا درواقع از بانک‌هایی که وام‌های معمولی می‌دادند اما فکر می‌کنم تابستان سال گذشته بود که با دفتر ارتباط با صنعت دانشگاه آشنا شدم و از طریق اطلاع‌رسانی خود دانشگاه که با اعضای هیئت‌علمی انجام شد، متوجه شدم که صندوق تجهیزات پزشکی وجود دارد که وام‌های خیلی خوبی را به کسانی که در حوزه فناوری کار می‌کنند اختصاص می‌دهد و اقدام کردم و خیلی سریع خدا را شکر توانستم تسهیلات را دریافت کنم و این کار را به اتمام برسانم.

در مورد پروسه زمانی دریافت تسهیلات نظر خود را بفرمایید.

صد درصد راضی بودم. باتجربه‌ای که در این ده سال در خصوص شرایط دریافت تسهیلات داشته‌ام نسبت به بقیه جاهایی که



درمجموع نظر شما درباره برنامه‌های اجرایی دانشگاه درزمینه ارائه تسهیلات به طرح‌های فناورانه چیست؟

به نظر من واقعاً حرکت بی‌نظیری است که دانشگاه در پیش گرفته است. من دانش‌آموخته‌اشم شاید یکی از بهترین دانشگاه‌های صنعتی هستم که انتظار می‌رود یک دانشگاه صنعتی مثل دانشگاه صنعتی شریف از فناوران حمایت بیشتری کند یا این‌گونه اقدامات انجام بدهد، اما چنین تسهیلاتی که ما اینجا می‌بینیم در دانشگاه صنعتی شریف هم نمی‌توان دید؛ یعنی حمایتی که از حوزه فناوری داخل دانشگاه علوم پزشکی تهران وجود دارد و تلاشی که برای حمایت از فناور و حوزه فناوری می‌شود حتی داخل دانشگاه‌های صنعتی نمی‌شود و به نظر من که واقعاً موقعیت بی‌نظیری است که دانشگاه علوم پزشکی ایجاد کرده و من به‌نوبه خودم از مسئولان فهیم دانشگاه و توجه آنان به امر توسعه فناوری سلامت دانشگاه و کارشناسان دفتر ارتباط با صنعت و همه همکاران که در این حوزه فعالیت می‌کنند، تشکر می‌کنم.

توضیح این‌که صندوق پژوهش و فناوری آماده پذیرش درخواست ارائه تسهیلات به طرح‌های فناورانه و نوآورانه استادان هیئت‌علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران است، برای اطلاع بیشتر می‌توانید با شماره تلفن: ۸۸۹۸۹۴۰۸ -۰۲۱- (صادق) تماس حاصل فرمایید. ▲

تاکنون اقدام کرده بودم واقعاً دفتر ارتباط با صنعت دانشگاه علوم پزشکی تهران سریع‌ترین مورد بود، چون از زمان ارسال پروپوزال تا دریافت وام کمتر از ۳ ماه طول کشید.

تسهیلات دریافتی چه مقدار از هزینه‌های تولید محصول را پوشش داده است؟

با راهنمایی‌هایی که کارشناسان همین مرکز به من دادند تولید ۱۰ دستگاه را شروع کار خود قراردادم و بر اساس همان ۱۰ دستگاه به من بودجه داده شد و توانستم با آن بودجه‌ای که به من داده‌اند تولید و فروش انجام دهم. البته سود تسهیلات قابل توجه هم نبوده و حدود ۳ الی ۵ درصد با بازپرداخت آن هم یک سال بعد از دریافت اولین قسط وام مناسب بود. البته به نظر می‌رسد این امر خیلی بستگی به محصول دارد. ما محصولی را انتخاب کرده بودیم که شدنی بود. ولی واقعیتش این است که خیلی از محصولات وجود دارد که در این زمان کم امکان فروش آن وجود ندارد. مثلاً اگر محصولی باشد که خیلی جدید باشد و مشتری آن را نشناسد یک الی دو سال نیاز به بازاریابی دارد که مشتری اصلاً احساس نیاز به این محصول را پیدا نکند اما اگر محصول، محصولی باشد که مشتری آن را بشناسد و به آن نیاز داشته باشد با این شرایط می‌توان آن را انجام داد.





دکتر اقبال طاهری: تاریکی نباشد روشنایی بی‌معناست

دکتر اقبال طاهری، رییس آزمایشگاه غذا و دارو پژوهشگاه علوم غدد و متابولیسم به مناسبت روز داروساز، پشتکار و دلسرد نشدن را لازمه تحقق پژوهش‌ها و رمز موفقیت جوانان دانست.

پنجم شهریورماه به مناسبت سالروز تولد محمد زکریای رازی فیلسوف و دانشمند بزرگ مسلمان و ایرانی، روز داروسازی در ایران نام‌گذاری شده است. روز داروسازی هم یادآور مجد عظمت علمی ایرانیان در تاریخ بشری است و هم نویددهنده توسعه روزافزون تلاش‌های تحقیقاتی داروسازان پژوهشگر و دانشمند کشورمان است.

ما نیز به مناسبت این روز بزرگ بر آن شدیم تا با یکی از چهره‌های شاخص علم داروسازی به گفتگو بنشینیم و با زندگی و دغدغه‌های این بزرگوار بیشتر آشنا شویم.

دکتر اقبال طاهری، در سال ۱۳۴۰ برای ادامه تحصیل در مقطع فوق لیسانس رشته رادیو بیولوژی، به مرکز انرژی هسته‌ای دانشکده علوم دانشگاه تهران راه یافت و همزمان

دوره دکتری داروسازی را در دانشگاه تهران آغاز کرد. او در سال ۱۳۴۶ پایان‌نامه دکترای خود را با عنوان سم‌شناسی ارائه کرد و دوره‌های تخصصی را در چندین کشور (انگلستان، اتریش، بلژیک، آلمان، دانمارک) گذراند. دکتر اقبال طاهری همچنین از پست معاونت فنی آزمایشگاه‌های اداره کل غذا و دارو در سال‌های ۶۲ تا ۷۵ تا مدیرکل نظارت بر مواد غذایی و بهداشتی، مسئولیت‌های گوناگونی از قبیل رئیس کمیته CODEX در سازمان بهداشت جهانی، مشاوره سازمان در اندونزی، مشاوره سازمان در کمیته مشورتی مدیریت و ناظر سازمان در زمینه ایمنی مواد غذایی و تدریس در دانشگاه‌ها و مراکز علمی گوناگون را در کارنامه کاری خود دارد.

ایشان ارائه‌دهنده بیش از ۶۰ مقاله تخصصی است که هم‌اکنون در آزمایشگاه‌های کنترل غذا و دارو و بهداشت محیط‌زیست از آن‌ها استفاده می‌شود.

دکتر اقبال طاهری اکنون نیز با سمت مشاور ارشد رییس پژوهشگاه علوم غدد و متابولیسم در امور بین‌الملل، چهره‌ای برجسته و شناخته شده در جامعه پزشکی کشورمان هستند. اما این همه‌ی زندگی دکتر اقبال طاهری نیست، بلکه

بعد از اتمام این دوره به ایران بازگشتم و به وزارت بهداشت رفتم. مهم‌ترین کارهایی را که در آنجا انجام دادم، بنیان بخش سم‌شناسی و پایه‌گذاری این رشته در وزارت بهداشت و نظارت بر مواد آرایشی بهداشتی بود.

اولین درآمد شما چقدر بود؟

در آن زمان درآمد زیادی نبود چون من دبیر بودم و دبیر که نمی‌توانست درآمد زیادی داشته باشد ولی چون خیلی علاقه داشتم که همیشه خودم و خانواده‌ام آسایش داشته باشیم سعی می‌کردم که کار اضافه انجام دهم و به‌عنوان بهترین معلم تهران ساعتی ۲۵ تومان تدریس می‌کردم و به‌جز حقوق ثابت، سعی می‌کردم با کار اضافه زندگی خوبی را داشته باشم.

از پروژه‌های مهم کاری خود برای ما بگویید.

مدیریت کنترل کیفیت دو پروژه ملی مهم را بر عهده داشتم: یکی پروژه ملی غنی‌سازی شیر با ویتامین D و دیگری پروژه ملی کمبودید و غنی‌سازی نمک یددار.

اگر از شما بخواهیم یک خاطره زیبا برایمان تعریف کنید، آن خاطره چیست؟

وقتی که وارد دانشکده داروسازی شدم، در آن زمان مرسوم بود دانشجویی که ممتاز بود روی سن سالن همایش دانشکده می‌رفت و رییس دانشگاه می‌آمد و روپوش سفید را بر تن دانشجوی می‌کرد، که من افتخار این را داشتم که دکتر فرهاد این روپوش را تن کردند.

تا به الآن پیش آمده دارویی مصرف کرده و بعداً از مصرف آن پشیمان شده باشید؟

بله، چند سال پیش دارویی را مصرف کردم که دچار عارضه شدیدی شدم و ۲۰ روز در بیمارستان شریعتی بستری بودم. وضع من به صورتی بود که وقتی بهبودی کامل را به دست آوردم، همکارانم به شوخی می‌پرسیدند: از آن دنیا چه خبر!

بارزش‌ترین فرد در زندگی شما چه کسی است؟

تنها دخترم و ۲ نوه‌ام از بارزش‌ترین افراد زندگی من هستند.

چقدر خوب و قشنگ! آیا آن‌ها هم مسیر شما را ادامه داده‌اند؟

می‌توان از ایشان به‌عنوان یک بانوی هنرمند در زمینه خلق آثار هنری در قالب نقاشی نیز، نام برد.

به‌عنوان سؤال نخست، در خصوص فلسفه نام‌گذاری روز داروساز که مقارن با زادروز محمد زکریای رازی است، توضیحاتی بفرمایید.

ایشان دانشمند، پزشک، داروساز و فیلسوف بزرگ ایرانی بوده است. به‌حق در همه جای دنیا، محمد زکریای رازی، بزرگ‌ترین پزشک مسلمانان در زمان خود محسوب می‌شود که آثارش نیز هم‌اکنون به چندین زبان مختلف ترجمه شده است. محمد زکریای رازی در زمانی زندگی کرده است که حداقل امکانات هم وجود نداشته و با این حال این دانشمند ایرانی در آن زمان بسیاری از مواد مؤثره در علوم داروسازی همانند اسیدسولفوریک و الکل را کشف کرده است. مهم‌تر از همه آن‌که این فیلسوف ایرانی در زمان خود در علوم فلسفه و اخلاق نیز سرآمد بوده است و جای شادمانی است که در حال حاضر بسیاری از استادان ما در کنار آموزش پزشکی به آموزش اخلاق پزشکی نیز توجه ویژه‌ای دارند.

با شنیدن نام محمد زکریای رازی چه حسی در شما ایجاد می‌شود؟

حقیقت موضوع این است که تنم می‌لرزد و با خودم می‌گویم ایشان چه شخص بزرگی بوده‌اند که در آن زمان با کمبود امکانات، یک بیماری را هم تشخیص می‌دادند و هم درمان می‌کردند و جامعه امروز ما به وجود چنین شخصیت‌هایی نیاز دارد.

قدری از خودتان بگویید و این که چه شد داروسازی را انتخاب کردید.

اولین رشته‌ای را که به آن پرداختم بیولوژی در دانشکده علوم بود. بعد از گذراندن دوره لیسانس، مشغول به تدریس درس‌های فیزیولوژی و زمین‌شناسی در کلاس ۱۲ مدرسه‌ای واقع در جنوب شهر شدم. با توجه به ذوق و هنر نقاشی که داشتم تلاش می‌کردم شیرینی درس خواندن را با طراحی موضوعات درسی به‌صورت نقاشی و به‌وسیله گچ‌های رنگی روی تخته‌سیاه کلاس به دانش‌آموزان خود بچشانم. بعد از اینکه مدرک دکترای خود را در رشته داروسازی گرفتم، در بورسی که کشور انگلستان گذاشته بود قبول شدم و به انگلیس سفر کردم و دوره سم‌شناسی را در آنجا گذراندم.



عظمت وجود خدا را بیش از پیش احساس می‌کنم. نقاشی باعث می‌شود که همیشه اطراف را بهتر و دقیق‌تر ببینم و آرامش بیشتری را احساس کنم. هر کدام از نقاشی‌هایم یادآور یک خاطره خوب و لذت‌بخش است و همیشه از نقاشی لذت برده‌ام.

آیا به آرزوهای خود رسیده‌اید؟

بله خدا را شکر. فکر می‌کنم تا به حال به هر چیزی یا هر کاری که دوست داشتم و دنبالش بودم، رسیده‌ام. وقتی انسان هدف مشخصی داشته باشد و آن هدف را دنبال کند، طبیعتاً به آن می‌رسد، ولی بدم نمی‌آمد به جای یک فرزند، چند فرزند داشتم.

رمز موفقیت شما چیست؟

نمی‌توانم صد در صد عنوان کنم که خیلی موفق بوده‌ام، ولی می‌توانم بگویم خیلی کارها انجام داده‌ام که هر کسی نتوانسته انجام دهد. راز موفقیت خود را پشتکار زیاد می‌دانم. هیچ‌وقت از تلاش دست برنداشتم و البته معتقدم که شریک زندگی انسان در رسیدن به موفقیت او خیلی تأثیرگذار و مهم است. اگر شریک زندگی همراه و مشوق خوبی باشد گذراندن پله‌های ترقی راحت‌تر می‌شود.

و در آخر بهترین آرزوی شما برای جوانان چه چیزی است؟

امیدوارم جوانان راه خود را مشخص کنند تا در زندگی هدفمند و با برنامه عمل کنند و اگر هم گاهی در رسیدن به هدفی دچار مشکلی می‌شوند، دلسرد نشوند چون شکست‌ها هستند که پیروزی را لذت‌بخش می‌کنند و همه این‌ها تجربه‌اندوزی است و همیشه صادق و درستکار حرکت کنند. زندگی تماماً سایه و روشن دارد و تا تاریکی نباشد روشنایی بی‌معناست. ▲

دکتر جلیلی: برتری دانشگاه در کشور مرهون تلاش اساتید، دانشجویان و دستیاران است

معاون آموزشی دانشگاه از کسب ۲۷ رتبه برتر (۳۲ درصد) در مقطع تخصصی و ۱۶ رتبه برتر (۳۳ درصد) در مقطع فوق تخصصی در شصت و دومین آزمون دانشنامه تخصصی و بیست و نهمین دوره فوق تخصصی خبر داد.

معاون آموزشی دانشگاه، در خصوص رتبه‌های شصت و دومین آزمون دانشنامه تخصصی و بیست و نهمین دوره فوق تخصصی سال ۱۳۹۴

خیر. دخترم راه مرا ادامه نداد. خودم هم مایل نبودم زیرا اعتقاد داشتم که برای رشته پزشکی همیشه باید در حال تلاش و تحقیق باشی و از داشتن چند فرزند محروم می‌شوی که به عقیده من بسیار بد است. به این صورت بود که دخترم فوق‌لیسانس رشته زبان را در دانشگاه تهران گرفت و در حال حاضر در کشور انگلستان، زبان فرانسه تدریس می‌کند.

یکی از نوه‌هایم نیز در انگلیس وکیل شده است و دیگری هم هوش مصنوعی می‌خواند که هر دو در دانشگاه معتبر انگلیس تحصیل می‌کنند. دخترم سالی چند ماه به ایران می‌آید و پیش من می‌ماند و خدا را شاکرم که فرزند خوبی دارم.

باوجود این همه فعالیت در زمینه پزشکی، آیا زمانی برای استراحت

و اوقات فراغتتان باقی می‌ماند؟

بله. البته سعی می‌کنم این اوقات را برای خود ایجاد کنم.

سرگرمی شما در این ایام چیست؟

در حال حاضر به علت مشکلات فیزیکی مثل سابق فعالیت ورزشی خاصی انجام نمی‌دهم ولی تا چند سال اخیر به کوه‌نوردی می‌پرداختم و پینگ‌پنگ را هم به صورت حرفه‌ای دنبال می‌کردم. در حال حاضر در زمان فراغت به مطالعه، تحقیق، پیاده‌روی و البته از همه مهم‌تر به نقاشی می‌پردازم.

چه جالب... نقاشی و داروسازی! پس شما در نقاشی هم سررشته

دارید؟

بله. نقاشی را از دوران کودکی نزد استاد علی‌اکبر یاسمین که جزء شاگردان استاد کمال‌الملک بودند، روحشان شاد باد، آغاز کردم. ایشان در آن زمان استاد من بودند و وقتی پشتکار و علاقه مرا به طراحی مشاهده نمودند، گفتند که شما یک روز نقاش خوبی خواهید شد و من هم تمام سعی خود را کردم که این حرفه را ادامه دهم. اکنون نیز همیشه یک بوم سفید روی پایه در اتاق من هست و هر زمان این نیاز را احساس کنم به سراغش می‌روم و تصاویر زیبایی را که در ذهن دارم نقاشی می‌کنم.

چه احساسی در هنگام نقاشی کردن دارید؟

طبیعت را بسیار دوست دارم و در موقع نقاشی خود را بسیار نزدیک‌تر به خدا می‌بینم. وقتی که رنگ‌های گل‌های کاغذی را مشاهده می‌کنم،



کرده است که از این تعداد ۷ رتبه اول (۲۸ درصد رتبه‌های اول کشور)، ۷ رتبه دوم (۲۸ درصد رتبه‌های دوم کشور)، ۹ رتبه سوم (۴۱ درصد رتبه‌های سوم کشور) و ۴ نفر رتبه چهارم (۳۳ درصد رتبه‌های چهارم کشور) بوده است.

در آزمون دانشنامه فوق تخصصی نیز ۱۶ رتبه برتر توسط این دانشگاه کسب شد که از این تعداد ۶ رتبه اول (۲۷ درصد رتبه‌های اول کشور)، ۶ نفر رتبه بدوم (۳۲ درصد رتبه‌های دوم کشور) و ۴ نفر رتبه سوم (۴۰ درصد رتبه‌های سوم کشور) بود.

معاون آموزشی دانشگاه در پایان ضمن عرض خسته نباشید و خدا قوت؛ از تلاش‌های اساتید دانشگاه، دانشجویان و کارکنان دانشگاه در کسب این مقام تشکر و قدرانی کردند.

گفت‌وگو با دکتر علی خاجی رزمنده و جانباز و آزاده دوران هشت سال دفاع مقدس

دفتر امور ایثارگران با دکتر علی خاجی رزمنده، جانباز، آزاده و محقق مرکز تحقیقات تروما بیمارستان سینا به گفت و گو نشست. دکتر علی خاجی در کتاب شرح قفس به بیان خاطرات خود در روزهای اسارت پرداخته و در آن از سال‌های علاقه‌مندی به صنایع هواپیمایی و ادامه تحصیل در رشته هوشبری، چگونگی حضور در جبهه، نحوه مجروحیت و اسارت، شرایط دوران اسارت لحظه بازگشت به میهن اسلامی، تحصیل در رشته پزشکی، فعالیت در مرکز تحقیقات تروما و ادامه تحصیل در PhD اخلاق پزشکی می‌گوید.

اکنون به یاد آن‌هایی که توانستند در سال‌های زجر و شکنجه روحیه خود را حفظ کنند و در صحنه‌های اجتماعی سرمشق و نمونه‌ای از صلابت استقامت مردان و زنان ایرانی باشند، گوش جان به خاطرات این عزیز می‌سپاریم.

لطفاً خودتان را معرفی کنید؟

علی خاجی، پزشک عمومی، متولد سال ۱۳۴۴ در تهران هستم و در حال حاضر در دوره دکتری رشته اخلاق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران تحصیل می‌کنم. به‌علاوه، در مرکز تحقیقات تروما جراحی بیمارستان سینا مشغول به کار هستم. پدر و مادرم خدا را شکر در قید حیات هستند و دارای همسر و دو دختر هستم. اصالتاً تفرشی و متعلق به دهی در اطراف تفرش به نام نقوسان هستم.



گفت: امسال دانشگاه علوم پزشکی تهران با کسب ۲۷ رتبه برتر از مجموع ۸۱ رتبه برتر کشور (۳۲ درصد) در مقطع تخصصی و ۱۶ رتبه برتر از مجموع ۴۸ رتبه برتر کشور (۳۳ درصد) در مقطع فوق تخصصی آزمون مذکور رتبه نخست را در میان دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور به خود اختصاص داد.

وی بیان کرد: دانشگاه‌های دیگر با کسب ۱۴، ۱۰ و ۵ رتبه برتر در مقطع تخصصی و ۷، ۱۱ و ۵ رتبه برتر در مقطع فوق تخصصی بعد دانشگاه تهران قرار گرفته‌اند که نشان‌دهنده برتری دانشگاه علوم پزشکی تهران به‌عنوان نماد آموزش عالی در کشور است و کسب این رتبه موهون زحمات و تلاش‌های اساتید، دانشجویان و دستیاران این دانشگاه است.

وی در ادامه تصریح کرد: در آزمون دانشنامه تخصصی که در ۲۶ رشته برگزار شد، دانشجویان این دانشگاه با شرکت در ۲۴ رشته موفق به احراز رتبه در ۱۷ رشته شدند. در مقطع فوق تخصصی نیز که در ۲۴ رشته برگزار شد دستیاران دانشگاه در ۲۲ رشته شرکت و در ۱۴ رشته موفق به کسب رتبه شده‌اند.

معاون آموزشی دانشگاه در ادامه به بیان جزئیات رتبه‌ها پرداخت و گفت: در آزمون دانشنامه تخصصی دانشگاه ۲۷ رتبه برتر کسب





اما بعد از بازگشت از عراق در سال ۱۳۶۹ تصمیم گرفتم که در کنکور پزشکی شرکت کنم لذا از رشته قبلی انصراف دادم و در پزشکی دانشگاه تهران قبول شدم. در سال ۷۸ نیز فارغ التحصیل شدم.

چه شد که این رشته را انتخاب کردید؟

اسارت خیلی مسائل را تغییر می‌دهد و یکی از آن‌ها نیز تصمیم‌گیری برای آینده است. آنجا به پزشکی فکر می‌کردم حتی در عراق کمی هم فرانسه خواندم. به این امید که اگر روزی به ایران بازگشتم و توانستم در رشته پزشکی ادامه تحصیل بدهم زبان فرانسه بتواند کمک کند.

چه زمانی به جبهه رفتید؟

در دوران دبیرستان آموزش‌های نظامی مفصلی دیده بودم. بخشی از آن زیر نظر یک تکاور نیروی دریایی بود و مدتی نیز توسط نیروهای جنگ‌های نامنظم شهید چمران آموزش دیدم؛ اما پدرم اجازه رفتن به جبهه را قبل از گرفتن دیپلم به من نمی‌داد. در نهایت در بهمن‌ماه سال ۱۳۶۳ و با فراخوان نیروها برای انجام عملیات به‌عنوان امدادگر به جبهه اعزام شدم.

خاطره‌ای از زمان اسارت بفرمایید.

یکی از مشکلات بهداشتی که تمامی اسرا با آن مواجه می‌شدند

دوران ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان را چگونه گذرانده‌اید؟
چهار سال اول ابتدایی را در تهران گذراندم. سال پنجم به دلیل کار پدرم در کرمانشاه بودم. دوران راهنمایی در تهران سپری شد، سوم راهنمایی مصادف بود با سال تحصیلی سال ۵۷-۵۸ دوران انقلاب بود. دوران تحصیلات متوسطه را به مدت ۴ سال در دبیرستان شهید حسن قدمی (دکتر نصیری) بودم. سال ۶۲ موفق به اخذ دیپلم شدم.

در کدام دانشگاه و در چه رشته‌ای تحصیل کردید؟

سال ۶۲ در کنکور صنایع هواپیمایی شرکت کردم در رشته مهندسی صنایع قبول شدم. البته به دلیل اصرار اطرافیان در کنکور تجربی هم به‌صورت هم‌زمان شرکت کردم و فوق‌دیپلم هوشبری دانشگاه تهران پذیرفته شدم.

چند روز قبل از آغاز درس‌ها در صنایع هواپیمایی (اوایل بهمن‌ماه سال ۱۳۶۲) پایم شکست و با وضع به وجود آمده نمی‌توانستم در کلاس‌ها شرکت کنم به‌رحال با شرایط موجود ادامه تحصیل در این رشته به دوره بعد موکول می‌شد. با بررسی شرایط به وجود آمده وارد رشته هوشبری شدم. در آغاز ترم سوم (بهمن‌ماه ۶۳) به‌عنوان امدادگر به منطقه عملیاتی اعزام شدم. در عملیات بدر شرکت کرده و در تاریخ ۶۳/۱۲/۲۴ و پس از مجروحیت شدید به اسارت دشمن درآمدم.



محقق مرکز تحقیقات تروما بیمارستان سینا به گفت و گو نشست. دکتر علی خاجی در کتاب شرح قفس به بیان خاطرات خود در روزهای اسارت پرداخته و در آن از سال‌های علاقه‌مندی به صنایع هواپیمایی و ادامه تحصیل در رشته هوشبری، چگونگی حضور در جبهه، نحوه مجروحیت و اسارت، شرایط دوران اسارت لحظه بازگشت به میهن اسلامی، تحصیل در رشته پزشکی، فعالیت در مرکز تحقیقات تروما و ادامه تحصیل در PhD اخلاق پزشکی می‌گوید.

اکنون به یاد آن‌هایی که توانستند در سال‌های زجر و شکنجه روحیه خود را حفظ کنند و در صحنه‌های اجتماعی سرمشق و نمونه‌ای از صلابت استقامت مردان و زنان ایرانی باشند، گوش جان به خاطرات این عزیز می‌سپاریم.

لطفاً خودتان را معرفی کنید؟

علی خاجی، پزشک عمومی، متولد سال ۱۳۴۴ در تهران هستم و در حال حاضر در دوره دکتری رشته اخلاق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران تحصیل می‌کنم. به‌علاوه، در مرکز تحقیقات تروما جراحی بیمارستان سینا مشغول به کار هستم. پدر و مادرم خدا را شکر در قید حیات هستند و دارای همسر و دو دختر هستم. اصالتاً تفرشی و متعلق به دهی در اطراف تفرش به نام نقوسان هستم.

دوران ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان را چگونه گذرانده‌اید؟

چهار سال اول ابتدایی را در تهران گذراندم. سال پنجم به دلیل کار پدرم در کرمانشاه بودم. دوران راهنمایی در تهران سپری شد، سوم راهنمایی مصادف بود با سال تحصیلی سال ۵۸-۵۷ دوران انقلاب بود. دوران تحصیلات متوسطه را به مدت ۴ سال در دبیرستان شهید حسن قدمی (دکتر نصیری) بودم. سال ۶۲ موفق به اخذ دیپلم شدم.

در کدام دانشگاه و در چه رشته‌ای تحصیل کردید؟

سال ۶۲ در کنکور صنایع هواپیمایی شرکت کردم در رشته مهندسی صنایع قبول شدم. البته به دلیل اصرار اطرافیان در کنکور تجربی هم به‌صورت هم‌زمان شرکت کردم و فوق‌دیپلم هوشبری دانشگاه تهران پذیرفته شدم.

چند روز قبل از آغاز درس‌ها در صنایع هواپیمایی (اوایل بهمن‌ماه

آلودگی به شپش بود. به دلیل نبود آب برای استحمام و همچنین ساعات محدود آزادباش (که در بهترین زمان‌ها حداکثر ۷ ساعت در شبانه‌روز بود) افراد با این مشکل روبرو می‌شدند. عراقی‌ها توجه ای به شکایات اسرا نداشتند و لذا ما به نمایندگان کمیته بین‌المللی صلیب سرخ که هر ۲ ماه یک‌بار به اردوگاه ما می‌آمدند شکایت کردیم. متأسفانه پاسخ آن‌ها نیز دست کمی از عراقی‌ها نداشت و خیلی دیپلماتیک پاسخ داده و هر مرتبه این جمله را تکرار می‌کردند که مقامات عراقی به ما اطمینان داده‌اند که هیچ مشکل بهداشتی در اردوگاه وجود ندارد. به هر شکل همه ما دنبال راهی برای حل این مشکل می‌گشتند چون بسیار آزاردهنده بود. به دلیل لانه کردن شپش در داخل گچ افرادی که پایشان شکسته بود عموماً گچ را خیلی زود باز می‌کردند لذا بسیاری از این افراد پاهایشان کوتاه شده بود.

چند روزی به آمدن نمایندگان کمیته بین‌المللی صلیب سرخ مانده بود که یکی از بچه‌ها از بقیه خواست تا بزرگ‌ترین شپشی را که در لباس‌های خود پیدا کردند به او بدهند. این فرد چندین شپش بزرگ را در داخل یک شیشه کوچک به مدت یک هفته نگاه داشت. روز هشتم بود که صلیبی‌ها آمدند. رئیس گروه به آسایشگاه ما آمد. وقتی مشکل خود را با او درمیان گذاشتیم مجدداً همان پاسخ دیپلماتیک را شنیدیم که «مقامات عراقی به ما اطمینان داده‌اند که هیچ مشکل بهداشتی در اردوگاه وجود ندارد.» پس از شنیدن این پاسخ همان دوستان ۲ یا ۳ عدد از شپش‌ها را از پشت گردن نماینده گروه صلیب سرخ به داخل لباسش انداخت. پس از گذشت چند دقیقه او شروع کرد به خاراندن بدنش و وقتی دید خارش بدنش از بین نمی‌رود از آسایشگاه خارج شده و به مقر فرمانده اردوگاه که در بیرون اردوگاه قرار داشت رفته و سپس به سمت بغداد حرکت نمود. فردای آن روز نتیجه این کار مشخص شد. صبح فردا وقتی معاون آن فرد به اردوگاه آمد و بچه‌ها مجدداً شکایت خود را مطرح کردند در پاسخ گفت «ما به شواهدی دست‌یافته‌ایم که آلودگی به شپش در این اردوگاه وجود دارد». ما از مسئولین عراقی خواهیم خواست که دارو و وسایل لازم برای کنترل آلودگی را در اختیار شما قرار دهند. البته آنچه عراقی‌ها انجام دادند خود داستان مفصلی دارد.

دفتر امور ایثارگران با دکتر علی خاجی رزمنده، جانباز، آزاده و



مشکل بهداشتی در اردوگاه وجود ندارد. به هر شکل همه ما دنبال راهی برای حل این مشکل می‌گشتند چون بسیار آزاردهنده بود. به دلیل لانه کردن شپش در داخل گچ افرادی که پایشان شکسته بود عموماً گچ را خیلی زود باز می‌کردند لذا بسیاری از این افراد پاهایشان کوتاه شده بود.

چند روزی به آمدن نمایندگان کمیته بین‌المللی صلیب سرخ مانده بود که یکی از بچه‌ها از بقیه خواست تا بزرگ‌ترین شپشی را که در لباس‌های خود پیدا کردند به او بدهند. این فرد چندین شپش بزرگ را در داخل یک شیشه کوچک به مدت یک هفته نگاه داشت. روز هشتم بود که صلیبی‌ها آمدند. رئیس گروه به آسایشگاه ما آمد. وقتی مشکل خود را با او درمیان گذاشتیم مجدداً همان پاسخ دیپلماتیک را شنیدیم که «مقامات عراقی به ما اطمینان داده‌اند که هیچ مشکل بهداشتی در اردوگاه وجود ندارد.» پس از شنیدن این پاسخ همان دوستان ۲ یا ۳ عدد از شپش‌ها را از پشت گردن نماینده گروه صلیب سرخ به داخل لباسش انداخت. پس از گذشت چند دقیقه او شروع کرد به خاراندن بدنش و وقتی دید خارش بدنش از بین نمی‌رود از آسایشگاه خارج شده و به مقر فرمانده اردوگاه که در بیرون اردوگاه قرار داشت رفته و سپس به سمت بغداد حرکت نمود. فردای آن روز نتیجه این کار مشخص شد. صبح فردا وقتی معاون آن فرد به اردوگاه آمد و بچه‌ها مجدداً شکایت خود را مطرح کردند در پاسخ گفت «ما به شواهدی دست‌یافته‌ایم که آلودگی به شپش در این اردوگاه وجود دارد». ما از مسئولین عراقی خواهیم خواست که دارو و وسایل لازم برای کنترل آلودگی را در اختیار شما قرار دهند. البته آنچه عراقی‌ها انجام دادند خود داستان مفصلی دارد. ▲

مصاحبه با الهه حیدری فرزند جانباز و دانشجوی برتر رشته علوم آزمایشگاهی

در تجلیل از مقام شامخ ایثارگران و خانواده آنان پای صحبت الهه حیدری دانشجوی برتر علوم آزمایشگاهی نشستیم تا دلایل موفقیت ایشان را از زبان خودشان بشنویم.

الهه حیدری دانشجوی برتر رشته علوم آزمایشگاهی است که قرار گرفتن در جایگاهی که رضایت خدا و خلقتش را به همراه

سال ۱۳۶۲) پایم شکست و با وضع به وجود آمده نمی‌توانستم در کلاس‌ها شرکت کنم به‌هرحال با شرایط موجود ادامه تحصیل در این رشته به دوره بعد موکول می‌شد. با بررسی شرایط به وجود آمده وارد رشته هوشبری شدم. در آغاز ترم سوم (بهمن‌ماه ۶۳) به‌عنوان امدادگر به منطقه عملیاتی اعزام شدم. در عملیات بدر شرکت کرده و در تاریخ ۶۳/۱۲/۲۴ و پس از مجروحیت شدید به اسارت دشمن درآمد.

اما بعد از بازگشت از عراق در سال ۱۳۶۹ تصمیم گرفتم که در کنکور پزشکی شرکت کنم لذا از رشته قبلی انصراف دادم و در پزشکی دانشگاه تهران قبول شدم. در سال ۷۸ نیز فارغ‌التحصیل شدم.

چه شد که این رشته را انتخاب کردید؟

اسارت خیلی مسائل را تغییر می‌دهد و یکی از آن‌ها نیز تصمیم‌گیری برای آینده است. آنجا به پزشکی فکر می‌کردم حتی در عراق کمی هم فرانسه خواندم. به این امید که اگر روزی به ایران بازگشتم و توانستم در رشته پزشکی ادامه تحصیل بدهم زبان فرانسه بتواند کمکم کند.

چه زمانی به جبهه رفتید؟

در دوران دبیرستان آموزش‌های نظامی مفصلی دیده بودم. بخشی از آن زیر نظر یک تکاور نیروی دریایی بود و مدتی نیز توسط نیروهای جنگ‌های نامنظم شهید چمران آموزش دیدم؛ اما پدرم اجازه رفتن به جبهه را قبل از گرفتن دیپلم به من نمی‌داد. در نهایت در بهمن‌ماه سال ۱۳۶۳ و با فراخوان نیروها برای انجام عملیات به‌عنوان امدادگر به جبهه اعزام شدم.

خاطره‌ای از زمان اسارت بفرمایید.

یکی از مشکلات بهداشتی که تمامی اسرا با آن مواجه می‌شدند آلودگی به شپش بود. به دلیل نبود آب برای استحمام و همچنین ساعات محدود آزادباش (که در بهترین زمان‌ها حداکثر ۷ ساعت در شبانه‌روز بود) افراد با این مشکل روبرو می‌شدند. عراقی‌ها توجه ای به شکایات اسرا نداشتند و لذا ما به نمایندگان کمیته بین‌المللی صلیب سرخ که هر ۲ ماه یک‌بار به اردوگاه ما می‌آمدند شکایت کردیم. متأسفانه پاسخ آن‌ها نیز دست‌کمی از عراقی‌ها نداشت و خیلی دیپلماتیک پاسخ داده و هر مرتبه این جمله را تکرار می‌کردند که مقامات عراقی به ما اطمینان داده‌اند که هیچ





پدرم در جبهه نشد. زیرا کسی که به درک حقیقی مسئله جهاد و دفاع رسیده باشد به دنبال بهانه‌ای برای شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت نمی‌گردد. به گفته پدرم، مادرم هم مشوق ایشان بود و به وی روحیه می‌داد. همین روحیه ایثار و از خودگذشتگی در وجود زنان و مردان آگاه جامعه در زمان جنگ بود که این انقلاب و این کشور را بیمه کرد و هرگز به بیگانگان اجازه دست‌درازی به آب‌و‌خاک کشور را نداد. من امیدوارم هرگز این روحیه ایثار طلبی در جامعه ما کمرنگ نشود.

حس و حال خود را بعد از شنیدن خبر قبولی در دانشگاه برایمان بگویید.

من و خواهرم با یک برنامه آموزشی و یک جدول زمان‌بندی مشخص و باهم درس می‌خواندیم. ما هردو جزء دانشجویان برتر مدرسه شاهد کرج بودیم و به کارهای پژوهشی و تحقیقاتی علاقه زیادی داشتیم. هردوی ما به‌صورت خودجوش درس خوان بودیم. ولی بعد از اعلام نتایج کنکور، از اینکه در رشته پزشکی قبول نشدم کمی ناراحت شدم. چون خواهرم در رشته پزشکی قبول شده بود و من در رشته علوم آزمایشگاهی. پذیرش این مسئله در ابتدا برایم واقعاً سخت بود ولی بعد متوجه شدم که این حکمت خدا بوده و هم‌اکنون از رشته خود بسیار راضی هستم. البته برخورد خانواده با این مسئله بسیار عالی بود. آن‌ها این

داشته باشد برایش هدف نهایی است. با هم پای گفت‌وگوی ایشان می‌نشینیم.

لطفاً خودتان را معرفی کنید.

الیه حیدری ساکن استان البرز و فرزند جانباز ۴۵ درصد هستم. دو خواهر بزرگ‌تر دارم. در سال ۹۰ در رشته علوم آزمایشگاهی دانشگاه علوم پزشکی تهران پذیرفته شدم و هم‌اکنون جزء دانشجویان معدل الف دانشکده هستم.

پدر چگونه و کجا جانباز شدند؟

وقتی دشمن در سال ۵۹ به کشور حمله کرد کشور از نظر دفاعی در وضعیت خوبی قرار نداشت. مسلماً بعد از پیروزی انقلاب مشکلات مدیریتی زیادی در کشور وجود داشت. حمله رعدآسای دشمن بعثی با حمایت آشکار دشمنان و تصرف قسمتی از کشور و پیشروی به‌قصد فتح تهران، جوانان ایران را بر آن داشت تا فارغ از هر مسئله‌ای برای دفاع از کشور، لباس رزم بپوشند. پدر من در دوران جنگ در سن نوجوانی بود ولی سنگینی بار مسئولیت را بر شانه‌های خود به‌خوبی درک می‌کرد به همین جهت او و خیلی از دوستانش خیلی زود دوران نوجوانی‌شان را به جوانی گره زدند و برای دفاع از کشور به جبهه رفتند. ایشان بارها در عملیات مختلف مورد اصابت ترکش و خمپاره قرار گرفت و دچار مصدومیت شد. پدرم در مورد جبهه زیاد با ما صحبت نمی‌کند چون معتقد است این پیمانی بین او و خدایش بوده است. در حال حاضر وی علاوه بر رنج بردن از عوارض بمب‌های شیمیایی، مشکلات اعصاب و روان و سوختگی‌های ناشی از انفجارها را نیز بر تن دارد، از ناحیه چشم راست هم نابیناست.

آیا پدر شما در زمان جنگ ازدواج کرد؟

بله همان‌طور که می‌دانید جنگ تحمیلی هشت سال طول کشید و ازدواج هم جزء واجبات زندگی هر فردی هست. بنابراین پدرم در دوران جنگ باوجود مصدومیت‌هایی که داشت تصمیم به ازدواج گرفت. یکی از ملاک‌های مادرم در امر ازدواج، تقوا و وارستگی همسر بود. بنابراین وقتی این خصوصیات را در پدرم دید باوجود مشکلات جسمانی پدرم با ایشان ازدواج کرد و در سال ۶۶ اولین فرزند خود را به دنیا آورد. ولی تولد خواهرم هرگز مانعی جهت ادامه حضور



چهره علمی ما پروفسور سمیعی است که حضورشان برای جامعه بشری یک نعمت محسوب می‌شود و آماده‌اند در هر جای دنیا به کمک خلق خدا بشتابند. امیدوارم این روحیه انسان‌دوستی در دل تک‌تک افراد این مرزوبوم بدون توجه به رشته تحصیلی‌شان و مرزهای جغرافیایی همواره فروزنده و برقرار باشد.

نحوه درس خواندن شما در دانشگاه و دبیرستان چه فرقی باهم دارد؟

البته که نحوه درس خواندن دبیرستان با دانشگاه تفاوت‌های فاحشی وجود دارد. من در دبیرستان سعی می‌کردم تا جایی که بتوانم با برنامه مدرسه پیش بروم و بیشتر توجهم به گرفتن نمرات عالی معطوف بود، درحالی‌که در دانشگاه با یک برنامه زمان‌بندی‌شده درس می‌خوانم. از نظر من حضور در کلاس‌ها باعث به وجود آمدن حس و حالی در آدم می‌شود که فرایند یادگیری را تقویت می‌کند و یادداشت‌برداری در زمان یادگیری باعث حک شدن آموخته‌ها در ذهن آدم می‌شود از این‌رو هرگز به خودم اجازه ندادم از حضور در کلاسی چشم‌پوشی کنم. گاهی اوقات دیگران از من می‌پرسند آیا از این همه درس خواندن خسته نمی‌شوی و من در پاسخ می‌گویم نه هرگز خسته نمی‌شوم چون برای درس خواندن به دانشگاه آمده‌ام و کاری جز این ندارم. در حقیقت اگر هدفمان مشخص باشد و بدانیم به کجا می‌خواهیم برسیم دیگر وقتی برای رسیدن به حواشی زندگی برایمان نمی‌ماند.

خدا را شکر می‌کنم که هرگز اسیر ظواهر دنیوی نشدم و توانستم تمام انرژی خودم را صرف مطالعه کردن نمایم. البته این مسئله به آن معنی نیست که خود را از فعالیت‌های فرهنگی و مثبت جامعه محروم کنم بلکه سعی می‌کنم در اوقات فراغتم به مطالعه آزاد و دیگر کارهای خود بپردازم.

نظر شما در مورد دوست خوب چیست؟

فکر پیدا کردن دوست خوب در دانشگاه از همان روزهای اول ذهن همه پذیرفته‌شدگان را به خود مشغول می‌کند. من هم از این قاعده مستثنا نبودم. چون نقش دوست خوب را در زندگی پررنگ می‌بینم. دوست خوب باید بتواند روحیه پیشرفت در کلیه امور زندگی را همواره در ما زنده و بیدار نگه دارد و این معنایی مجزا از حسادت دارد. دوست خوب همواره آماده کمک به انسان جهت بالا کشیدن اوست و از

موضوع را اصلاً به‌پای کم‌کاری من نگذاشتند و مرا به شکست متهم نکردند. بلکه از من خواستند با روی باز با این مسئله کنار بیایم و به فکر ادامه تحصیل تا مقاطع بالاتر باشم. باب علم‌آموزی هرگز به روی کسی بسته نیست بلکه این همت ماست که ما را بلند می‌کند یا به زمین می‌زند.

با توجه به این طرز برخورد من خیلی راحت با این موضوع کنار آمدم و چون قابلیت‌های خود را فراتر از ماندن در مقطع کارشناسی می‌دانم در حال آماده شدن برای امتحان کارشناسی ارشد هستم. خوشبختانه در طی دوران تحصیل توانستم همواره معدل الف را در کارنامه خود داشته باشم. البته لازم به ذکر است که من و خواهرم هیچ‌کدام از سهمیه استفاده نکردیم و ما هر دو با همت خودمان توانستیم در دانشگاه علوم پزشکی تهران پذیرفته شویم.

نقش والدینتان را در موفقیت خود چگونه ارزیابی می‌کنید؟

مادرم صبر و شکیبایی زیادی دارد و تمام وظایف مربوط به خانه و مراقبت از پدرم را خودشان انجام می‌دهد ولی در کنار تمام این امور به مسائل درسی ما هم توجه ویژه داشت. مادرم با اختصاص فضایی خاص در خانه جهت مطالعه، به‌خصوص در زمانی که برای کنکور آماده می‌شدیم، من و خواهرم را از فضای میهمانی و رفت و آمدها دور می‌کرد و دورادور مراقب ما بود پدرم هم واقعاً به این موضوع حساس بود و فعالیت‌های درسی ما را زیر نظر داشت. ولی چون می‌دانست ما خودمان خیلی به درس اهمیت می‌دهیم هرگز در امور آموزشی ما مداخله‌جویانه وارد نشد بلکه همراه و مشوق ما بود. بنابراین ما توانستیم به دور از هر دغدغه‌ای ادامه تحصیل دهیم و به‌جایی که هستیم برسیم. جا دارد همین‌جا از زحمات والدینم که با صبوری بار مشکلات زندگی را به دوش گرفتند و نگذاشتند ما درگیر حواشی زندگی شویم صمیمانه تشکر و قدردانی نمایم و بر دستان پرمهرشان بوسه زنم. بی‌شک حمایت‌های بی‌دریغ ایشان باعث بالا رفتن احساس عزت‌نفس در من می‌شود و افق‌های روشن زندگی را به سویم باز می‌کند.

حالا دیگر فقط پزشک بودن برای من افتخار نیست. بلکه قرار گرفتن در جایگاهی که رضایت خدا و خلقش را به همراه داشته باشد برایم هدف نهایی است. ما امثال این افراد را که به دنبال رضایت خدا و خلقش هستند در جامعه زیاد داریم و بارزترین



باشند و قدردان لحظات دانشجویی خود باشند و حضورشان را در این دانشگاه از مواهب الهی بدانند. ما استعداد‌های خوب و درخشان کم نداریم و حضور ما در دانشگاه فرصتی جهت رشد این استعدادهاست. هر نسلی نسبت به نسل آینده خود دارای وظایفی است پدران ما در جبهه جنگ تا پای جان ایستادگی کردند و ما اکنون در صحنه علم‌آموزی و در جهادی دیگر قرار داریم، پس باید متناسب با نیازهای زمانمان آمادگی‌های لازم جهت حضور کارآمد در جامعه را داشته باشیم.

نظر شما در مورد استفاده از سهمیه چیست؟

من با وجودی که از سهمیه استفاده نکردم این مسئله را حق آنان می‌دانم چون شرایط زندگی خانواده جانبازان و ایثارگران واقعاً سخت است و مثل مردم عادی نیست. ولی این کار احتیاج به برنامه‌ریزی فرهنگی گسترده‌تری دارد. ولی در کشور ما هنوز این موضوع جا نیفتاده است و متأسفانه برخورد درستی با این افراد و خانواده‌هایشان نمی‌شود. امیدوارم روزی برسد که این عزیزان جایگاه واقعی خود را در جامعه پیدا کنند و تصورات اشتباه حاکم بر جامعه که بر دوش این عزیزان سنگینی می‌کند از دوششان برداشته شود.

به‌عنوان فرزند یک جانباز چه انتظاری از جامعه دارید؟

من هیچ انتظاری از کسی ندارم. تنها خواسته من از جامعه این است که همت کنیم و نگذاریم روحیه فداکاری در جامعه کنونی و نسل بعدی کمرنگ شود. ما برای رسیدن به این نقطه از اقتدار ملی راه سخت و دشواری را پیموده‌ایم و این امنیت را با خون عزیزانمان به دست آورده‌ایم. تنها انتظاری که از جامعه داریم این است که قدر شهدا و ایثارگران و فداکاری‌هایی که آنان برای ما کرده‌اند را بدانیم چرا که اگر آن‌ها نبودند ممکن بود هیچ‌یک از موفقیت‌های فعلی را نداشته باشیم پس لازم است با دیدی بهتر به خانواده‌های این عزیزان نگاه شود و قدری هم به مشکلات این خانواده‌ها رسیدگی شود. این آزادی را کسی به ما تقدیم نکرد و شاهد این مدعا اسامی کوچه‌ها و خیابان‌های این شهر است. پس قدر آزادی خود را بدانیم و هوشیار باشیم تا خدای نکرده اسیر توطئه‌های رنگ‌به‌رنگ دشمنان نشویم و در مقابل نسل آینده خجل و سرافکننده نباشیم. ▲

دیگران به‌عنوان نردبان ترقی خودش استفاده نمی‌کند. علاوه بر این‌ها، من دوست داشتم با افرادی دوست شوم که از نظر اعتقادی هم مرا بالا بکشند و در کنار آنان احساس عزت‌نفس کنم. به‌رحال با توجه به این معیارها من توانستم دوستان بسیار خوبی هم پیدا کنم و از این بابت از خداوند شاکرم.

آیا شما فعالیت‌های فوق‌برنامه هم دارید و به نظرتان فعالیت‌های فوق‌برنامه چقدر می‌تواند در موفقیت مؤثر باشد؟

من سعی می‌کنم از تمام فرصت‌های زندگی‌ام استفاده کنم و خودم را زیاد در قالب کتاب و درس محصور نمی‌کنم و تا جایی که بتوانم در فعالیت‌های فرهنگی و ورزشی هم شرکت می‌کنم. همچنین سعی می‌کنم در زمینه‌های مذهبی و سیاسی و فرهنگی هم مطالعه آزاد داشته باشم. دانشجو قشر آسیب‌پذیری است و باید خودش را به سپر پولادین علم و آگاهی مجهز کند تا دشمن نتواند از هیچ جهتی به این قشر مهم آسیب برساند. طرز تفکر قشر دانشجو، زیربنای فکری هر جامعه‌ای است و به‌عنوان قشر فعال و پویا باید همواره در صف اول دفاع از آرمان‌های جامعه‌اش قرار داشته باشد.

نظر شما در مورد استفاده از حجاب برتر چیست؟

من در یک خانواده مذهبی به دنیا آمدم و بزرگ شدم و استفاده از حجاب برتر در خانواده ما همواره مورد توجه بوده است ولی خودم به این نتیجه رسیدم که با داشتن چادر خیلی راحت‌تر می‌توانم با دیگران ارتباط برقرار کنم چرا که چادر من برای مخاطبم پیام ویژه دارد؛ و من با این نوع پوشش به راحتی می‌توانم در جامعه حضور داشته باشم و مراقب حدود رفتاری دیگران با خود باشم.

شما چه توصیه‌ای به دانشجویان جهت بالا بردن انگیزه درونی‌شان دارید؟

من از دوستانم می‌خواهم به‌صرف قبول شدن در دانشگاه، راه و هدف خود را گم نکنند و همه‌چیز را تمام شده به حساب نیاورند بلکه بدانند راه دیگری به‌سوی آنان گشوده شده و وظیفه خطیرتری بر دوششان نهاده شده است. حضور دانشجویان در کلاس‌های درس برای یادگیری بهتر کمک‌کننده است. بچه‌ها باید سر کلاس‌ها فعال‌تر و پررنگ‌تر حضور داشته

